

مقایسه میزان استفاده از صور خیال در شعر چهار شاعر معاصر

آزاده فداکار^۱، محمد حکیم‌آذر^۲، اصغر دادبه^۳

چکیده

در بررسی شعر معاصر به دلیل برهم ریختن ساختارهای هزارساله شعر فارسی این تصور پیش می‌آید که ممکن است نوع و روش‌های کارکرد صور خیال در شعر معاصران با شاعران سلف متفاوت باشد. برای کشف این موضوع، چهار شاعر؛ مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فخرالدین مزارعی و حسین منزوی از جریان‌های مختلف شعر معاصر فارسی انتخاب شدند تا پژوهشی در زمینه‌ها و میزان استفاده صور خیال در شعر آن‌ها صورت گیرد. در این پژوهش به میزان استفاده از ارکان چهارگانه صور خیال در شعر آن چهار شاعر توجه شده است. این ارکان عبارت‌اند از استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای برای نگارش این تحقیق استفاده شده است. با بررسی‌ای که در این مقاله انجام شد دریافتیم که نو بودن یا کهن بودن شعر، ربطی به نحوه حضور صور خیال در شعر ندارد و نسبت‌های مستقیم در استفاده از صور خیال در شعر قدیم و جدید حاکم است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، صور خیال، اخوان ثالث، سهراب سپهری، فخرالدین مزارعی، حسین منزوی

^۱دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

^۲دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤل) mhakimazar@yahoo.com

^۳استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، مدیر گروه ادبیات فارسی دایره المعارف بزرگ اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۴ تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱/۸

مقدمه

مطالعه صور خیال و بررسی عوامل خلق‌کننده ایماژ در شعر بنیانی فلسفی دارد و نتیجه نفوذ نظریات ناقدان دقیق‌النظری چون ارسطو در هنر شاعری است. ترکیب شعر از عناصر مختلفی چون عاطفه، زبان، آرایه‌های ظاهری و معنوی یا همان صناعات ادبی، عروض، قافیه و صور خیال مایه می‌گیرد. صور خیال عناصری هستند که شعر را به‌عنوان یک متن سازمان‌یافته و منسجم می‌آفرینند و به آن وجاهت هنری می‌دهند. شعری که در آن از زبان پیراسته و فاخر بهره‌ای نباشد هر قدر هم که به یکی از عناصر هنری شعر (مثلاً به عروض و قافیه) توجه دقیق کرده باشد نمی‌تواند نظر خواننده خصوصاً خواننده متخصص را تأمین کند. تعادل نسبی در تک‌تک عناصر سازنده شعر باعث انسجام هنری در آن می‌شود و در این میانه صور خیال از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

«ایماژ یا خیال عنصر اصلی در جوهر شعر است و تخیل، بازگشتن به خیال و ایماژ است. خیال یا تصویر حاصل نوعی تجربه است که اغلب با زمینه‌ای عاطفی همراه است. عنصر خیال شیوه تصرف‌گوینده در ادای معانی است و علمای بلاغت در ادوار مختلف همواره کوشیده‌اند که این امکانات مختلف را در حوزه تعریف‌ها و در نمودار اصطلاحات خاص خود محدود کنند. «خیال در شعر شاعران حاصل نوعی تجربه و آگاهی است که شاعر یا نویسنده از محیط پیرامون خویش به دست می‌آورد.» (بیرانوند و آریان، ۱۳۹۵: ۱۴۱) در واقع نمایش حالات درونی و ویژگی‌های شخصیتی شاعر را می‌توان در تصاویر شعری او جست‌وجو کرد، چون خیال تصرف ذهنی شاعر در امور و مفاهیم مختلف است که از طریق انواع تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... به دست می‌آید.» (مرتضوی و بهزادی، ۱۳۹۰: ۱۶۹) با این‌همه تخیل، نیروی شکل‌دهنده و تنظیم‌کننده‌ای است که مایه آفرینش هنری است و آفرینشی که به‌وسیله تخیل شکل می‌گیرد، شکل جدیدی از واقعیت است.

«واکاوی صور خیال شاعرانه یکی از راه‌های تشخیص افتراق و اشتراک آثار ادبی است. در سده‌های اخیر، صور خیال، گستره وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. حوزه بیان سنتی در چهار مقوله تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز منحصر است. در حالی که بر اساس تعاریف جدید از تخیل در شعر، هرگونه خروج از نرم و هنجار طبیعی زبان، ورود به حوزه تصویرگری است. با این نگاه اغراق، سمبل، اسطوره و... که در تقسیم‌بندی گذشتگان در

حوزه صور خیال نمی‌گنجد، می‌تواند در مقوله صور خیال بگنجد و این نگرش نیز قابل بسط است صور خیال به معنای نقش، صورت و تصویر ذهنی است. در زبان فارسی نیز دو واژه نگاره و انگاره اگر از یک ریشه هم نباشند، دست‌کم افزون بر معنی پندار و گمان، به معنای نقش ناتمام هم هست» (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۳). بحث از مسائل مربوط به بلاغت یا صور خیال از قدیم در میان ملل مختلف رایج بوده، چنانچه این مباحث در یونان باستان منجر به تألیف آثاری چون فن شعر و فن خطابه از سوی حکیم معروف ارسطو شده است. در عالم اسلام و در ایران آثار گوناگونی در این زمینه تألیف شده است.

یکی از علل اصلی ماندگاری شعر و هر پدیده ادبی در زمان، قوت و قدرت خیال و نوع نگرش خیال‌انگیز شاعر است: بنابراین رمز جاودانگی هر شاعر برجسته در تصاویر فنی و صور خیال شگفت‌انگیزی است که آفریده و نقشی می‌زند (حریرچی و محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲). تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه ابزارهای خیال‌انگیزی هستند که از ارکان علم بیان محسوب می‌شوند. «با علم بیان می‌توان والایی و استواری یا فرودستی و خامی آثار ادبی را سنجید و میزان نوآوری و تقلید را اندازه گرفت و کلاً به بسیاری از مسائل ادبی به صورت دقیقی پاسخ داد.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۷).

بیان مسئله تحقیق

در این تحقیق به زیبایی‌شناسی شعر چهار نفر از شاعران معاصر (مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فخرالدین مزارعی، حسین منزوی) و بررسی جایگاه بلاغت در شعر آن‌ها می‌پردازیم. قصد این تحقیق آن است تا با بررسی و مقایسه اشعار منزوی و مزارعی به نمایندگی از شاعران سنتی و اخوان ثالث و سهراب سپهری به نمایندگی از شاعران نوگرا و ارائه شاهد مثال‌هایی به تحلیل و دسته‌بندی صور خیال در اشعار این شاعران بپردازد. شایان‌ذکر است از بین پایه‌های صور خیال چهار محور اصلی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه برگزیده شده است. صور خیال «تصویر زبانی ساده و تک‌بعدی نیست بلکه مرکب از دو یا چند جزء است که به مدد خیال و عاطفه شاعرانه با یکدیگر پیوند می‌خورند و واقعیت نوینی می‌آفرینند که در عالم خارج سابقه ندارد و سرشار از تازگی و غرابت و شگفتی است.» (محبتی و سمیعی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹) بررسی اجمالی نظر صاحب‌نظران ما را به این مهم

می‌رساند که تصویر عنصر اصلی و اساس کلام شاعرانه است که از رهگذر زبان توصیفی یا مجازی و به کمک شگردهای بیانی هم چون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه به وجود می‌آید. اخوان ثالث، سهراب سپهری، فخرالدین مزارعی و حسین منزوی چهار شاعری از بازه زمانی معاصر ۱۳۰۰ شمسی به این سو هستند که برای واکاوی صور خیال برگزیده شده‌اند و شعر آن‌ها در این پژوهش بستر تحقیق قرار گرفته است. علت انتخاب این چهار شاعر این است که هرکدام از نظر زبانی، فکری و هنری در جهانی متفاوت با دیگری قرار دارند و علی‌رغم نزدیکی زمانی به هم فاصله هنری و جهان ذهنی آن‌ها با یکدیگر قابل تأمل است. اخوان ثالث به‌عنوان شاعری از میراث ادبی و زبانی خراسان با رویکرد حماسی و اساطیری و زمینه‌اندیشگانی سیاسی - اجتماعی یک ضلع این تحقیق است. ضلع دیگر این پژوهش سهراب سپهری است که از نظر زبانی، هنری و ایدئولوژیک شعرش به هیچ‌کس شبیه نیست و او را می‌توان صاحب سبکی خاص در ادبیات نوین فارسی دانست. فخرالدین مزارعی شاعری است ناآشنا یا کمتر شناخته‌شده ولی با زبانی فخیم و شعری استوار در حوزه ترکیب‌سازی‌های زبانی هنرمندی قدرتمند به شمار می‌رود. این نکته را با خواندن چند ورق از مجموعه سرود آرزو می‌توان دریافت. حسین منزوی شاعری عاشق‌پیشه با دیدگاه‌های فلسفی و هنری خاص خود شاعری است که او نیز شبیه ندارد و می‌توان وی را نقطه عطف احیای غزل فارسی دانست.

هدف و اهمیت پژوهش

نگاه تطبیقی به عناصر سازنده شعر در دوره معاصر و بررسی تفاوت‌هایی که نگرش هنری شاعران در صور خیال با شاعران گذشته داشته‌اند از اهداف این تحقیق است. از سوی دیگر بازخوانی شعر این چهار شاعر و بررسی مختصری که از منظر صور خیال بر آن‌ها انجام می‌شود می‌تواند میزان توجه هرکدام را به ارکان چهارگانه صور خیال (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) نشان دهد و از این رهگذر می‌توان به نگرش هنری - فلسفی آن‌ها نیز پی برد.

یکی دیگر از اهداف این پژوهش آن است که نشان دهد شاعران معاصر هنوز هم از نظر سنت‌های ادبی و امدار شعر گذشته فارسی هستند. به عنوان نمونه با مطالعه‌ای که بر کنایه‌های نوین در این پژوهش انجام شده می‌توان دریافت که توجه به زبان عادی و

کارکرد زبان گفتار مردم در شعر معاصر هنوز به آن میزان از قوت نرسیده که بتواند راهی در زبان روزمره مردم باز کند. اگرچه این چهار شاعر از نظر سبکی شباهتی به یکدیگر ندارند و همان طور که گفته شد هرکدام از جهانی دیگرگون هستند، می توان با مطالعه نتایج این پژوهش به اثرپذیری حتی نوگراترین آن ها یعنی سهراب سپهری از خزانه هنری و زبانی شعر گذشته فارسی پی برد.

این پژوهش نگاهی تطبیقی و مقایسه ای دارد. در ادبیات تطبیقی مقایسه و تطبیق بین آثار نویسندگان دو زبان یا زبان ها گوناگون ملاک عمل است ولی در این پژوهش ملاک ما همان زبان فارسی با جلوه های گوناگون آن است. بهتر است بگوییم این تحقیق نوعی تحقیق تطبیقی "درون زبانی" است. به این معنا که شاعرانی از درون یک زبان با گرایش های مختلف فکری و هنری برگزیده شده اند تا تمایزها و شباهت های کارکرد صور خیال در شعر آن ها بررسی شود. این تحقیق بدان روی مهم است که اولاً مشابهی ندارد و ثانیاً می تواند به شناخت بهتر توانایی های شاعران مذکور ما را راهنمایی کند.

همان طور که در مقدمه هم آمد نگاه فلسفی شاعران به جهان و نوع اندیشه آنان در شکل گیری صور خیال آن ها بسیار مؤثر است. شاعرانی با دستگاه فکری منسجم از صور خیال و قوه تخیل ممتازی برخوردارند و با خلق جهانی از تصویر مخاطب را در لذت شعر و نیز در فهم مضمون مورد نظرشان سهیم می کنند. این پژوهش را می توان بر آثار سایر شاعران معاصر نیز تعمیم داد و نتایج آن ها را با هم مقایسه کرد.

فرضیه های تحقیق

شعر اخوان با توجه به بهره گیری او از میراث ادبی کهن فارسی از نظر کاربرد صور خیال غنی تر است.

۱. حسین منزوی در کاربرد صور خیال شاعری متعادل است.
۲. بیشترین صور خیال به کاررفته در شعر شاعران مورد بحث تشبیه است.
۳. سهراب سپهری را به دلیل وفور استعاره در شعرش می توان از بقیه شاعران مورد بحث خیال گراتر دانست.

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع این مقاله به‌طور مشخص تحقیق مستقلی یافت نشد اما با توجه به متغیر مستقل (صور خیال) و متغیر وابسته (چهار شاعر معاصر) در تحقیقات ادبی نمونه‌های زیر برای ارائه بحث لازم به نظر می‌رسد. در شناخت پیشینه پژوهش از پژوهش‌های بنیادی که در مورد صور خیال ارائه شده مانند کتاب‌های بلاغت قدیم و جدید صرف‌نظر شد. در پیشینه پژوهش دو دسته تحقیق به‌صورت جدی مورد نظر بوده‌اند: یکی تحقیقاتی که در مورد صور خیال به‌صورت عام بوده‌اند و حتی صور خیال در شعر شاعران قدیم را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند و دوم تحقیقاتی که به‌صورت خاص به شعر معاصر فارسی پرداخته‌اند. در دسته دوم علی‌رغم فراوانی مقالات و رساله‌های مرتبط با موضوع صور خیال در شعر معاصر، پژوهشی که مستقیماً به کاربرد صور خیال در شعر اخوان، سپهری، مزارعی و منزوی پردازد دیده نشد اما به تک‌نگاری‌هایی در این زمینه برخوردیم که می‌تواند برای شناخت بستر این تحقیق راهگشا باشد. پژوهش‌هایی که هنوز در سامانه‌های اطلاع‌رسانی نظیر ایران‌داک و سامانه‌های دانشگاه‌های کشور فهرست نشده‌اند در این بخش نیامده و از آن‌ها بی‌خبر بوده‌ایم.

سجاد نجفی بهزادی و سید جمال‌الدین مرتضوی در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و مقایسه صور خیال در شعر حسین منزوی و قیصر امین پور" نوشته‌اند: تصرف ذهن شاعر در مفاهیم و امور عادی زندگی و ارتباط آن با طبیعت حاصل بینش و آگاهی او از پدیده‌های طبیعی و جهان بیرون است. مجموعه تصاویر حاصل از انواع صور خیال (استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه) در دیوان هر شاعری بیانگر لحظه‌هایی است که با درون و جهان درونی او سروکار دارد؛ در واقع، انعکاس روح، شخصیت و ویژگی‌های درونی اوست. هدف این پژوهش بررسی عناصر خیال (استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه) و بسامد هرکدام در شعر امین پور و منزوی و دست یافتن به نتایج حاصل از اندیشه، عواطف، احساسات و نگرش آن‌ها به جهان و زندگی است. تصاویر مشترک این دو شاعر یا تصویر مرکزی اشعار آن‌ها مربوط به عشق و مسائل پیرامون آن است، هرچند بازتاب اجتماع و مسائل اجتماعی نیز کم‌وبیش در اشعارشان به چشم می‌خورد. تصاویر شعری دو شاعر، زنده، پویا و دیداری است. در شعر هرکدام از آن‌ها تقلیدی اندک و ناچیز مشاهده می‌شود، ولی حوزه تصاویر و صور خیال خویش را به تصاویر شعر سنتی منحصر نکرده‌اند، بلکه نوآوری‌هایی در شعر

هرکدام مشاهده می‌شود. تشبیهات، بیشتر فشرده و حاصل امور حسبی انتزاعی است. این مقاله در فصل‌نامه «زبان و ادبیات فارسی» بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۷۰ از ۱۶۷ تا ۱۹۶ منتشر شده است.

رضا خلیج و سید احمد پارسا در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تحلیلی تشبیهات سیاه در سروده‌های مهدی اخوان ثالث" که در فصلنامه شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال هشتم شماره ۱ (پیاپی ۸۱، بهار ۱۳۹۵)، صص ۸۷-۱۱۰ منتشر کرده‌اند نوشته‌اند: کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از رویدادهای بسیار اثرگذار تاریخ ایران است. سرخوردگی و نومیدی روشن‌فکران متعهد و پناه بردن بعضی از آنان به افیون و باده و... یکی از پیامدهای این رویداد بزرگ بود و موجب پدید آمدن گونه‌ای شعر به نام «شعر سیاه» شد که نمود آن را در برخی از جریان‌های شعری مانند رئالیسم، رمانتیسم سیاه و سمبولیسم اجتماعی می‌توان دید. بارزترین چهره این جریان، مهدی اخوان ثالث است.

علی سیدی نیز در پایان‌نامه تحصیلی خود در سال ۱۳۸۶ در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی موضوع "بررسی صور خیال در شعر حسین منزوی" را انتخاب و به نتیجه رسانده است. در این پایان‌نامه استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه در شعر سپهری بررسی شده و آمار هرکدام به دست داده شده است. سیدی در بخشی از این پایان‌نامه می‌گوید: حسین منزوی یکی از موفق‌ترین شاعران نوپرداز در حوزه غزل فارسی است، بنابراین برای شناخت و دستیابی به نحوه بیان و تصویر آفرینی او با صور خیال، تحقیق بر روی آثار این شاعر بلندپایه ضروری می‌نمود. از سوی دیگر چون نحوه به‌کارگیری و استفاده از صور خیال در نشان دادن توانمندی یک شاعر می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد، بنابراین هر تحقیقی در این حوزه ارزشمند و ضروری خواهد بود. از بررسی‌های صورت گرفته در صور خیال شعر منزوی، نوع نگاه منزوی به زندگی و پدیده‌های پیرامون آن فهمیده می‌شود که نگرش او توأمان با عشق ورزی و احساسات پاک انسانی است که از یک درون پرهیجان و پرتلاطم بروز می‌کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی - کیفی صورت گرفته است. پژوهش توصیفی - کیفی (*Descriptive*) آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط

موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. تمرکز آن در درجه اول به زمان حال است، هرچند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهد. در این روش مطالعه فرایندهای تولید یک متن در بستر زمان با دقت صورت می‌گیرد و از این منظر می‌توان گفت که رویکردی تاریخی نیز دارد. داده‌های استخراج شده در این روش غالباً کیفی هستند و داوری در مورد آن‌ها به آگاهی محقق و مخاطب و نیز به فصل مشترک باورهای آن‌ها در خصوص موضوع مورد تحقیق بستگی دارد. در این پژوهش که چهار شاعر معاصر و دفاتر شعری آن‌ها بررسی شده‌اند رویکرد تاریخی وجود ندارد و موضوع منحصر است به زمان حال از همین رو قید معاصر در صدر عنوان دیده می‌شود تا راه را برای رهیافت‌های تاریخی و گذشته‌نگر مسدود کند.

جامعه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش جامعه آماری مورد بررسی دفاتر شعری چهار شاعر معاصر، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فخرالدین مزارعی و حسین منزوی هستند. با توجه به حجم نامتوازن و نامتساوی شعر این چهار شاعر مقرر شد از شاعرانی که دفاتر شعری پر حجم دارند به میزانی شعر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد که بتوان حکم مستخرج از بررسی آن اشعار را به کل دفاتر آن‌ها تعمیم داد لذا از اخوان ثالث سی درصد از کل دفاتر شعری او (مجموعه‌های زمستان، از این اوستا و آخر شاهنامه)، از حسین منزوی نیز حدود سی درصد از غزل‌های او، از فخرالدین مزارعی دفتر شعر سرود آرزو و از سهراب سپهری مجموعه هشت کتاب بررسی شدند.

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

ارکان صور خیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) در دفاتر شعری مورد بحث به صورت مجزا یافته شد و هر کدام بر روی فیش ثبت گردید. ابتدا یک بار همه دفاتر شعری مورد تحقیق، با دقت مطالعه شدند آنگاه به صورت سطر به سطر زیر هر کدام از صور خیال که یافت می‌شدند خط کشیده شد و این کار برای هر کدام از چهار رکن صور خیال در هر دفتر شعری به صورت مجزا انجام شد. آنگاه هر کدام از داده‌هایی که به دست آمده بودند

به صورت مستقل بر برگه‌های تحقیق نوشته شد. گام بعدی دسته‌بندی داده‌ها بود. در این مرحله امکان اتخاذ دو روش وجود داشت. روش اول این که برای هر شاعر فصلی جداگانه در نظر گرفته شود و در زیر نام او چهار رکن صور خیال در عناوین فرعی به صورت مجزا با شاهدهایی که یافت شده بودند فهرست شود و این کار تا آخرین داده برای آخرین شاعر انجام شود. روش دوم این بود که متغیر مستقل (صور خیال) ملاک کار قرار گیرد و در زیر عنوان هر کدام از چهار رکن صور خیال نمونه‌های یافت شده از شاعران به ترتیب فهرست شوند. در این مقاله روش دوم انتخاب شد زیرا امکان مقایسه و تطبیق بین صور خیال هر کدام از شاعران در کنار هم به راحتی میسر می‌شود و خواننده متخصص می‌تواند با نگاهی به یافته‌های هر بخش قضاوتی نسبی در مورد کیفیت هنری هر کدام از شاعران بکند.

یافته‌های تحقیق

الف) استعاره

۱. استعاره در شعر اخوان ثالث

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه استعاره، مهدی اخوان ثالث ۶۷٪ از استعاره بالکنایه، ۱۹٪ از استعاره مصرحه، ۲٪ از استعاره تبعیه و ۲٪ از استعاره تهکمیبه استفاده کرده است. ذهنیت اخوان ثالث در تصویرگری مبتنی است بر بهره‌گیری از استعاره بالکنایه. در این بخش از استعارات، اخوان ثالث حدود ۹۰٪ از استعاره بالکنایه تشخیصی، هشت درصد از استعاره بالکنایه آنیمیستی (جاندارانگاری) و دو درصد از استعاره بالکنایه شیء‌انگاری بهره برده است. در حوزه استعاره مصرحه نیز عمدتاً مستعار منه شعری او معشوق، محبوب، شراب، دل، وطن و مقولاتی از این دست بوده‌اند. بیشترین استعاره‌های مصرحه در شعر اخوان از نوع استعاره مصرحه مجرده هستند.

۲. استعاره در شعر سهراب سپهری

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه استعاره، سهراب سپهری ۸۶٪ از استعاره بالکنایه، ۵٪ از استعاره مصرحه، ۸٪ از استعاره تبعیه و ۱٪ از استعاره تهکمیبه استفاده کرده است. ذهنیت سپهری نیز در تصویرگری مبتنی است بر بهره‌گیری از استعاره بالکنایه. در

این بخش از استعارات، سپهری حدود ۶۳٪ از استعاره بالکنایه تشخیصی، ۳۵٪ درصد از استعاره بالکنایه آنیمیستی (جاندارانگاری) و ۲٪ از استعاره بالکنایه شیء انگاری بهره برده است. در حوزه استعاره مصرحه نیز عمدتاً مستعار منہ شعری او مقولاتی چون چشم و دهان و نفس و مقولاتی از این دست بوده‌اند. بیشترین استعاره‌های مصرحه در شعر سپهری از نوع استعاره مصرحه مجرده هستند.

۳. استعاره در شعر فخرالدین مزارعی

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه استعاره، فخرالدین مزارعی ۳۸٪ از استعاره بالکنایه، ۵۸٪ از استعاره مصرحه، ۲٪ از استعاره تبعیه و ۲٪ از استعاره تهکمیة استفاده کرده است. ذهنیت مزارعی در تصویرگری مبتنی است بر بهره‌گیری از استعاره مصرحه. مزارعی در بخش استعارات تقریباً به‌طور کامل از استعاره کنایی مبتنی بر تشخیص بهره برده و توجه او به آنیمیسیم و شیء انگاری بسیار ناچیز بوده است. در حوزه استعاره مصرحه نیز عمدتاً مستعار منہ شعری او مقولاتی چون سخن، دل، دنیا، عالم معنا، قامت، معشوق، سعادت، حال، غم، اشک چشم و امثالهم بوده‌اند. بیشترین استعاره‌های مصرحه در شعر مزارعی از نوع استعاره مصرحه مجرده هستند.

۴. استعاره در شعر حسین منزوی

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه استعاره، حسین منزوی ۴۹٪ از استعاره بالکنایه، ۳۱٪ از استعاره مصرحه، ۱۰٪ از استعاره تبعیه و ۱۰٪ از استعاره تهکمیة استفاده کرده است. ذهنیت حسین منزوی نیز در تصویرگری مبتنی است بر بهره‌گیری از استعاره بالکنایه. در این بخش از استعارات، حسین منزوی حدود ۸۴٪ از استعاره بالکنایه تشخیصی، ۱۰٪ درصد از استعاره بالکنایه آنیمیستی (جاندارانگاری) و ۶٪ از استعاره بالکنایه شیء انگاری بهره برده است. در حوزه استعاره مصرحه نیز عمدتاً مستعار منہ شعری او مقولاتی چون معشوق، گیسو، اندام معشوق، ایران، زنخدان، لکه خون، دل، گلوله، شراب، پیشانی، سیم ساز و ... بوده‌اند. بیشترین استعاره‌های مصرحه در شعر حسین منزوی از نوع استعاره مصرحه مجرده هستند.

ب) تشبیه

۱. تشبیه در شعر اخوان ثالث

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه تشبیه در شعر اخوان ثالث، ۷۶٪ تشبیه محسوس به محسوس، ۱۳٪ محسوس به معقول، ۱۰٪ معقول به محسوس و ۱٪ تشبیه معقول به معقول دیده می‌شود. همچنین از نظر ساختار تشبیه، ۳۰٪ از تشبیه‌ها مفرد به مفرد، ۱۲٪ مقید به مقید، ۴۸٪ مفرد به مفرد و ۱۰٪ تشبیه مرکب در شعر اخوان ثالث دیده می‌شود. نکته جالب توجه در تشبیهات اخوان تعادلی است که بین تشبیه‌های مفرد به مفرد با سایر تشبیه‌ها دیده می‌شود به طوری که تشبیه مفرد به مفرد (که عمدتاً از نوع اضافی است) حدود نیمی از تشبیهات اخوان را تشکیل می‌دهد. مقایسه این ساختار با شاعران دیگر نشان می‌دهد که اخوان ذهنیت بلاغی متعادلی نسبت به دیگران در کاربرد تشبیه داشته است.

۲. تشبیه در شعر سهراب سپهری

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه تشبیه در شعر سهراب سپهری، ۵۶٪ تشبیه محسوس به محسوس، ۸٪ محسوس به معقول، ۳۵٪ معقول به محسوس و ۱٪ تشبیه معقول به معقول دیده می‌شود. همچنین از نظر ساختار تشبیه، ۳۰٪ از تشبیه‌ها مفرد به مقید، ۱۱٪ مقید به مقید، ۵۵٪ مفرد به مفرد و ۸٪ تشبیه مرکب در شعر سپهری دیده می‌شود. در شعر سپهری نیز از نظر ساختاری تعادل نسبی بین افراد و تقيید و ترکیب تشبیه‌ها دیده می‌شود. پنجاه درصد از تشبیه‌ها مفرد به مفردند و پنجاه درصد باقی مانده در تقيید و ترکیب قرار گرفته‌اند.

۳. تشبیه در شعر فخرالدین مزارعی

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه تشبیه در شعر فخرالدین مزارعی، ۵۲٪ تشبیه محسوس به محسوس، ۷٪ محسوس به معقول، ۳۷٪ معقول به محسوس و ۴٪ تشبیه معقول به معقول دیده می‌شود. همچنین از نظر ساختار تشبیه، ۱۹٪ از تشبیه‌ها مفرد به مقید، ۴٪ مقید به مقید، ۶۱٪ مفرد به مفرد، ۷٪ مقید به مفرد و ۹٪ تشبیه مرکب در شعر مزارعی دیده می‌شود.

۴. تشبیه در شعر حسین منزوی

از حجم کل یافته‌های تحقیق در حوزه تشبیه در شعر حسین منزوی، ۷۱٪ تشبیه محسوس به محسوس، ۴٪ محسوس به معقول، ۲۳٪ معقول به محسوس و ۲٪ تشبیه معقول به معقول دیده می‌شود. همچنین از نظر ساختار تشبیه، ۳۰٪ از تشبیه‌ها مفرد به مقید، ۸٪

مقید به مقید، ۴۵٪ مفرد به مفرد، ۱۱٪ مقید به مفرد و ۶٪ تشبیه مرکب در شعر منزوی دیده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان منزوی را حس‌گراترین شاعر در میان شاعران مورد بحث دانست. تعدد تشبیهات محسوس به محسوس در شعر او نشان می‌دهد که ذهنیت حس‌گرا و غیر انتزاعی در شعر او بر ذهنیت معناگرا و انتزاعی غلبه دارد.

پ) کنایه

۱. کنایه‌های مهدی اخوان ثالث

عمده‌ترین کنایه‌های به‌کاررفته در شعر اخوان ثالث از نوع کنایه فعلی هستند. این کنایه‌ها با ۷۷٪ و کنایه از موصوف با ۲۳٪ جمعاً کنایه‌های اخوان ثالث را تشکیل می‌دهند. در بخش کنایه‌های فعلی مکنی‌عنه بیشتر حول مفاهیمی چون؛ انتظار کشیدن، شکست خوردن و پریشانی، احتیاط کردن و مراقب بودن، کاری نو کردن، روشن و آشکار شدن، آرام کردن اوضاع، امر ناممکن، نارضایتی، عذاب و ناراحتی، طمع داشتن، انتظار داشتن، سرخ‌شده و آسیب‌دیده، آمدن خبری تازه، انقلاب و دگرگونی، نابود کردن و خودزنی، غدر و خیانت، از اغتنام فرصت، اوج محبت، سکوت و سکون، بی‌نصیبی، شناخت کامل و همه‌جانبه، وجود مخاطب فهیم، مستی و سرخوشی، سکوت و سکون و دفن اموات می‌چرخد.

۲. کنایه‌های سهراب سپهری

تمام کنایه‌های به‌کاررفته در شعر سهراب سپهری از نوع کنایه فعلی هستند. در بخش کنایه‌های فعلی مکنی‌عنه بیشتر حول مفاهیمی چون؛ رها کردن و ادامه ندادن، ترک کردن و رفتن، خاموشی و بی‌رونتی، تمام کردن کاری و به پایان رسیدن، مسموم کردن و آلودن، تمام شدن و به فنا رفتن، مات و میهوت شدن، نابود شدن، چسبیدن و برنگشتن، نابود شدن و به پایان رسیدن، فریب دادن و گول زدن، نوع دیگر اندیشیدن، سادگی و بی‌بیرایگی زندگی، فنای مطلق پس از مرگ، بی‌فایده بودن امور تجربی، صفای باطن و عدم نفاق، حس و حال خوب داشتن و انعکاس فکر در زبان می‌چرخد.

۳. کنایه‌های فخرالدین مزارعی

تمام کنایه‌های به‌کاررفته در شعر فخرالدین مزارعی از نوع کنایه فعلی هستند. این کنایه‌ها با ۶۹٪ و کنایه از موصوف با ۳۱٪ کنایه‌های مزارعی را تشکیل می‌دهند. در بخش

کنایه‌های فعلی مکنی‌عنه بیشتر حول مفاهیمی چون؛ بی‌عزت کردن و تحقیر کردن، کنایه فعلی، خالی کردن و خلوت، دخالت نکردن و فضولی نکردن، آمادگی، ترک همه‌چیز و بی‌خیالی، ادب و احترام ورزیدن، ایشار و ازخودگذشتگی، روی برگرداندن از دیگران، مخفی کردن و ادامه دادن سخن، تسلیم شدن، اثر کردن و مؤثر واقع شدن، آرام گرفتن و راز گفتن، همدم و همراه، آوارگی، پشیمانی و حسرت خوردن، تمنا داشتن و طرح‌ریزی کردن کاری، عزم کاری کردن، آشکار شدن جنایت و برملا گشتن رازها، آماده شدن برای امری خطیر، اظهار وجود کردن و تکان خوردن، کینه شدید و آماده بودن برای انتقام، اطاعت کردن و احترام گذاشتن، بی‌اعتنایی و بی‌مهری، سکوت و تأمل در احوال و اوقات، بهره‌مند شدن و برخورداری، زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی، اسیر کردن، عذاب دادن و شکنجه کردن، گدایی کردن و خود را فروختن، کار ناممکن کردن، لعنت کردن و ابراز انزجار از کسی، زیاد شدن و گسترش یافتن، شور و شر به پا کردن، سفر کردن و جدا شدن از مکانی و رفتن به مکانی دیگر، خسته شدن و ملول گشتن می‌چرخد.

۴. کنایه‌های حسین منزوی

تمام کنایه‌های به‌کاررفته در شعر حسین منزوی از نوع کنایه فعلی هستند. این کنایه‌ها با ۶۹٪ و کنایه از موصوف با ۳۱٪ کنایه‌های منزوی را تشکیل می‌دهند. در بخش کنایه‌های فعلی مکنی‌عنه بیشتر حول مفاهیمی چون؛ ناتوانی و بی‌حاصلی، انتظار کشیدن و چشم‌به‌راه داشتن، ولگردی و آوارگی در عین بلا تکلیفی، تبریک، ممانعت و مزاحمت، انجام کاری بسیار سخت، سخن گفتن و امر کردن، آرام کردن و فرونشاندن آشوب، بی‌قراری و استیصال، ساده‌انگاشتن امری، اسارت و وابستگی، همت کردن در انجام کاری، شادی، شاد بودن از عذاب دشمن، آشکار کردن و اظهار امری، حل مشکل، بی‌باکی و تهور، اعلام حضور و اظهار قدرت، آمادگی برای کشتن، عجز و ناتوانی را نشان دادن، تأیید با بالاترین هزینه، انتقام سخت، دزدی، دزدی آگاهانه، شجاعت و جسارت می‌چرخد.

ت) مجاز

۱. مجاز در شعر اخوان ثالث

اخوان ثالث نسبت به سه شاعر دیگر بیش از همه از انواع گونه‌های مجاز استفاده کرده است. شاید دلیل این موضوع زبان محوری شعر اخوان در مقایسه با سه شاعر دیگر باشد.

تأکید اخوان ثالث بر زبان خصوصاً زبان فاخر و فخیم خراسانی در شعر سبب شده که او مانند استادان سلف خود نگاهی فلسفی و منطقی به زبان داشته باشد. تنوع مجازها و پراکندگی منطقی آن‌ها در شعر اخوان ثالث نشان می‌دهد که میزان مطالعه و آگاهی زبانی او نسبت به دیگران بالاست. در شعر اخوان ثالث مجاز حالیه ۲۸٪، مجاز جزء و کل ۴۲٪، مجاز جنس ۵٪، مجاز ماکان ۵٪، مجاز سببیه ۳٪، مجاز مجاورت ۲٪، مجاز لازمیه ۷٪، مجاز آلیه ۱۰٪، مجاز بنوت ۵٪ و مجاز ذکر صفت و اراده موصوف ۳٪ از کل مجازها را تشکیل می‌دهند

۲. مجاز در شعر سهراب سپهری

عدم تنوع مجاز در شعر سهراب سپهری نشان می‌دهد که او نسبت به زبان کم‌اعتناست و بیشتر از این‌که به چگونه گفتن بیندیشد به چه گفتن فکر می‌کند. درون‌گرایی عرفانی و تأملات عرفانی سهراب سپهری به او اجازه استفاده بجای از زینت‌های زبانی را نمی‌دهد. دیگر این‌که باید گفت سهراب سپهری شاعری نیست که بلاغت گرا و بلاغت محور باشد. شعر سپهری متکی است به اتفاقات هیجانی و لحظه‌ای در ذهن و این ذهن به دلیل تسلط ضعیفی که بر شعر و نثر قدیم ایران دارد بیشتر به زبان عادی و خودکار گرایش پیدا می‌کند تا زبان ادبی. عمده‌ترین دلیل فقدان تنوع مجازها در شعر سپهری نیز این بی‌توجهی به زبان ادبی است. در شعر سپهری فقط سه گونه از مجازها امکان حضور یافته‌اند و بقیه مجازها به حدی ضعیف‌اند که در آمار منظور نمی‌شوند. در شعر سپهری مجاز حالیه با ۵۰٪، مجاز جزء و کل با ۲۰٪، و مجاز جنس با ۳۰٪ بیشترین انواع مجاز هستند.

۳. مجاز در شعر فخرالدین مزارعی

فخرالدین مزارعی نیز تا حدودی مانند اخوان از مجازهای پرکاربرد استفاده کرده است. در شعر مزارعی به دلیل توجه او به مسائل عاطفی نمی‌توان انتظار برون‌گرایی امثال اخوان یا منزوی را داشت ولی با این‌همه تعدد و تنوع مجازها و همین‌طور توزیع متناسب آن‌ها نشان می‌دهد که این شاعر از خزانه زبانی و لغوی قابل توجهی برخوردار بوده است. در شعر مزارعی مجاز حالیه با ۱۰٪، مجاز جزء و کل با ۲۰٪، مجاز ماکان با ۲۰٪، مجاز سببیه با ۱۰٪، مجاز مجاورت با ۱۰٪، مجاز لازمیه با ۲۰٪ و مجاز آلیه با ۱۰٪ پراکندگی دیده می‌شوند. در این میانه فراوانی مجاز لازمیه در شعر مزارعی قابل‌اعتنا و معنادار است.

۴. مجاز در شعر حسین منزوی

توزیع و فراوانی مجازها در شعر منزوی نشان می‌دهد که او نسبت به دیگران توجه کمتری به مجاز دارد. اگرچه از سپهری بالاتر است ولی از اخوان و مزارعی پایین‌تر قرار می‌گیرد. نبود برخی مجازهای پرکاربرد مانند مجاز مجاورت یا مجاز ذکر صفت نشان می‌دهد که منزوی تحت تأثیر زبان ساده‌ای است که او را از کاربردهای پیچیده زبان ادبی قدیم دور نگه می‌دارد. در شعر منزوی مجاز حالیه با ۱۰٪، مجاز جزء و کل با ۲۰٪، مجاز ماکان با ۲۰٪، مجاز سببیه با ۱۰٪، مجاز مجاورت با ۱۰٪، مجاز لازمیّه با ۲۰٪ و مجاز آلیه با ۱۰٪ پراکندگی دیده می‌شوند.

جمع‌بندی

در این پژوهش بر مبنای نظریات سیروس شمیسا در کتاب بیان، صور خیال (تشبیه استعاره، مجاز و کنایه) در شعر چهار شاعر معاصر بررسی شد. این چهار شاعر از دو گرایش عمده جریان شعر معاصر فارسی هستند. مهدی اخوان ثالث و سهراب سپهری نماینده جریان شعر آزاد (یا نیمایی) و فخرالدین مزارعی و حسین منزوی نماینده جریان شعر سنت‌گرا هستند. این طبقه‌بندی بسیار کلی و حتی در برخی موارد شکننده است بدین معنا که اخوان ثالث که نماینده جریان شعر آزاد است اشعاری به سبک قدما دارد و حسین منزوی هم که نماینده جریان شعر سنت‌گراست اشعار آزاد در دفاتر شعری خود دارد. اساس این طبقه‌بندی بسامد بالای شعر این شاعران بود و همین امر سبب شد که در بررسی‌های خود به شعر سنتی اخوان و شعر آزاد منزوی نپردازیم. در مقایسه‌ای که بین این چهار شاعر در زمینه صور خیال و میزان و نیز نحوه کاربرد آن‌ها در شعرشان صورت گرفت نتایج زیر به دست آمد:

الف) در حوزه استعاره

همان‌طور که انتظار می‌رفت بیشترین بسامد استعاره در شعر شاعران موردبخت استعاره بالکنایه است اما در این میانه یکی از شاعران استثناست. استعاره بالکنایه در شعر اخوان ثالث بیش از شصت درصد، در شعر سپهری بیش از هشتاد درصد و در شعر منزوی بیش از چهل درصد کاربرد داشته است. در هر سه شاعر ذکر شده استعاره مصرحه از نظر کاربرد

در جایگاه دوم قرار دارد. برخلاف این سه شاعر، استعاره مصرحه در شعر فخرالدین مزارعی در جایگاه نخست است و بعداز آن استعاره بالکنایه قرار دارد. اغلب استعاره‌های مصرحه در شعر مزارعی از نوع مصرحه مجرده هستند. در تصویرسازی‌های این شاعر استعاره نقش مهمی دارد و از بین انواع استعاره، استعاره مصرحه بیش از همه دیده می‌شود. این را می‌توان نتیجه ذهنیت منطقی و ریاضی‌وار شاعر نیز دانست. عاطفه مسلط بر شعر مزارعی عاطفه اعتراض و خشم است و تصویرهایی که می‌آفریند بیشتر در این حوزه کاربرد می‌یابند. نگرش صریح به استعاره و عدم ایجاد تزاحم تصاویر با خلق استعاره بالکنایه نشانه‌ای است از صراحت بینش و روشنی نگاه بلاغی او. او در مبهمات نمی‌پیچد و تصویرهای ساده می‌آفریند.

استعاره‌های تبعیه و تهکمیة در شعر هر چهار شاعر کم‌کاربردند. یکی از دلایل کم‌کاربرد بودن یا کم‌کاربرد دانستن استعاره تبعیه این است که اغلب استعاره‌های تبعیه از یک منظر دیگر استعاره کنایی هستند و در شمارش استعاره‌های کنایی جزو آمار آنها قرار می‌گیرند. در مورد استعاره تهکمیة نیز باید گفت این نوع استعاره می‌تواند ذیل نوعی از مجاز به نام مجاز تضاد طبقه‌بندی شود و یکی از دلایل کمتر دیده شدن آن همین موضوع است. در مجموع استعاره بر ذهن چهار شاعر مورد بحث سلطه زیادی دارد و در شعر کسی چون سپهری بسیار پرکارتر از سایرین است. در شعر سه شاعر دیگر نیز به نسبت قابل توجه است.

(ب) در حوزه تشبیه

در بحث حسی و عقلی بودن تشبیهات تقریباً هر چهار شاعر مورد بحث بیشترین تشبیهات را به تشبیهات محسوس به محسوس اختصاص داده‌اند. این اتفاق که در بلاغت این چهار شاعر افتاده قابلیت تعمیم به سایر شاعران معاصر را نیز دارد. به نظر می‌رسد تشبیه محسوس به محسوس بیشترین حضور را در شعر فارسی دارد. شاعران برون‌گرا بی‌سار زیاد و شاعران درون‌گرا نیز برای تفهیم آنچه در ضمیر خویش دارند به نسبت از آن استفاده می‌کنند.

حسین منزوی بیشتری تشبیهات محسوس به محسوس را دارد. این نتیجه نگاه حس‌گرایانه و این جهانی او به پدیده‌هاست. فخرالدین مزارعی کمترین میزان استفاده از

تشبیهات محسوس به محسوس را دارد و این نیز نتیجه درون‌گرایی و غلبه عواطف بر ذهن و زبان این شاعر است. دلیل دیگر برای درون‌گرایی‌های مزارعی این است که او بیشترین تشبیهات معقول به محسوس را به خود اختصاص داده. وقتی مشبه معقول به کمک مشبه‌به محسوس تبیین می‌شود که شاعر برای ذهنیتی انتزاعی به دنبال ما به ازای این جهانی و قابل لمس بگردد و مزارعی (و بعد از او سپهری) از این منظر در جایگاه نخست است. در بین سایر انواع تشبیه نیز تعادلی بین هر چهار شاعر برقرار است.

غیرمنطقی‌ترین نوع تشبیه، تشبیه محسوس به معقول است زیرا در آن چیزی که قابل حس است به چیزی مانند می‌شود که قابل حس نیست و این خلاف فلسفه تشبیه است. در این نوع تشبیه که البته بسیار هنری و معماگونه هم هست اخوان ثالث بیش از دیگران توجه داشته است.

تشبیه از نظر افراد و تقیید و ترکیب دو سوی آن نیز قابل مطالعه است. از این نظر ساختمان تشبیه کاویده می‌شود تا ببینیم نگاه و رویکرد شاعران به ساختار تشبیه چگونه بوده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت تشبیه مفرد به مفرد (و بیشتر از نوع اضافی) در بین تشبیهات این چهار شاعر در جایگاه نخست است و بعد از آن سایر تشبیه‌ها قرار می‌گیرند. در بقیه انواع نیز تعادل نسبی بین چهار شاعر برقرار است و نگاه ساختاری آن‌ها به تشبیه شباهت زیادی به هم دارد.

پ) در حوزه کنایه

در بحث کنایه از دو منظر کنایات به‌کاررفته در شعر این چهار شاعر کاویده شد. یکی از منظر فعلی بودن کنایه و دیگری از منظر کنایات موصوف. در این بحث کنایات فعلی بیشترین حجم را به خود اختصاص دادند. مکنی‌عنه‌هایی که از این کنایات استخراج شد نشانه‌ای است از نوع نگرش شاعر. مکنی‌عنه‌های مزارعی را می‌توان به رنگ سیاه و مکنی‌عنه‌های منزوی را به رنگ سپید تشبیه کرد. مزارعی به خاطر غلبه اندوه و اعتراضی که در روحش موج می‌زند مکنی‌عنه‌هایی از همین جنس آفریده است اما منزوی که مردی عاشق‌پیشه و قلندر بوده مکنی‌عنه‌هایی دارد که نشانه‌ای از نوع تفکر دم‌غنیمتی اوست. بی‌ثباتی دنیا، خوش بودن، عشق ورزیدن و دوست داشتن منظومه فکری منزوی، رفتن و ترک کردن، منظومه فکری سپهری و اعتراض، منظومه فکری مزارعی را تشکیل می‌دهد.

اخوان در این میانه نگاهی متعادل دارد و علی‌رغم غلبه عاطفه یاس، امید نیز در شعرش دیده می‌شود. این را می‌توان از مکنی‌عنه کنایات او دریافت.

در کنایات موصوف نیز دیدگاه و جهان‌بینی شاعران به‌وضوح هویدا است. منزوی شراب و زلف و معشوق را و مزارعی اندوه و خشم سرخ و مرگ را و اخوان باده و تاریکی را و سپهری سفر و افق و آن زمان و آن جهان را مدنظر دارند.

ت) در حوزه مجاز

مجازهای پرکاربرد در شعر فارسی مجاز کلیه، حالیه و سببیه هستند. در شعر چهار شاعر مورد بحث تعادلی نسبی بین مجازها برقرار است اما نکته معناداری که در این تحقیق معلوم شد فقدان مجازهای متنوع در شعر سهراب سپهری است. سپهری بیشتر از سه نوع مجاز حالیه، کلیه و جنس استفاده کرده و از سایر انواع مجاز در شعر او خبری نیست. مثلاً از مجاز بنوت استفاده نکرده است در حالی که برای نمونه اخوان ثالث چندین بار از این مجاز بهره گرفته. بی‌اعتنایی سپهری به جهان و آدمیان پیرامونش کاملاً از نوع کارکردهای زبانی او هویدا است. سپهری نگاهی به افق دارد و از آنچه در اطرافش می‌گذرد بی‌خبر است. گوشه‌گری او باعث فقر زبان شعری اوست و این نکته را می‌توان از فقر کارکردهای مجاز در شعرش دریافت.

در بقیه شاعران مجاز کلیه در صدر قرار دارد و سایر انواع مجاز بعد از آن دسته‌بندی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که چهار شاعر مورد بحث از چهار جهان متفاوت با چهار زبان متفاوت (علی‌رغم قرار گرفتن در زیر سایه یک زبان) آمده‌اند و داوری نهایی در این مورد این است که اخوان را می‌توان شاعری مسلط به زبان و بلاغت فارسی، با روحیه‌ای متزلزل و نگران دانست. سپهری را باید شاعری متعلق به جهان‌های ماورایی و بی‌اعتنا به این عالم دانست. او نسبت به سه شاعر دیگر از نظر زبان ادبی و بلاغی شاعری فقیر است و تنها حسن شعر او سادگی و نزدیکی شعر او به زبان مردم است. فخرالدین مزارعی شاعری است ترکیب‌ساز و هنرمند که با نوعی اعتراض و خشم و بدبینی

به جهان می‌نگرد از همین رو بلاغت او بلاغتی سیاه است و سرانجام منزوی شاعری معتدل و متعادل، عاشق پیشه و معشوقه پرست است که فکر بدنامی نکرده و خرقه رهن خانه خمار داشته است.

منابع الف) کتاب‌ها

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۷) متن کامل ده کتاب شعر م. امید، تهران: نشر زمستان.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶) فرهنگنامه ادبی فرسی (دانشنامه ادب فارسی ۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سپهری، سهراب (۱۳۶۹)، گزینه اشعار سهراب سپهری، تهران: انتشارات مروارید.
- سپهری، سهراب. (۱۳۸۹) هشت کتاب، تهران: گفت‌مان اندیشه معاصر
- سعادت، اسماعیل (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳) دانشنامه زبان و ادب فارسی، (مجلدات ۱ تا ۶) تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۳) صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- شمس‌الدین محمد بن قیس الرازی (بی‌تا) المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد قزوینی و به کوشش مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) بیان، تهران: فردوس.
- کاشفی سبزواری، میرزا حسین واعظ (۱۳۶۹) بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته و گزاره میر جلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
- مزارعی، فخرالدین (۱۳۶۹) سرود آرزو، با مقدمه و نظارت اصغر دادبه. تهران: پاژنگ.
- منزوی، حسین (۱۳۸۸) مجموعه اشعار، به کوشش حسین فتحی، تهران: نگاه.
- منزوی، حسین (۱۳۹۴)، از عشق تا عشق، مصاحبه ابراهیم اسماعیلی اراضی با حسین منزوی، تهران: فصل پنجم.

ب) مقالات

- بیرانوند، نسرین؛ آریان، حسین (۱۳۹۵). صور خیال در اشعار قیصر امین‌پور "در زیبایی شناسی ادبی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۲۷، صص ۱۶۶-۱۳۹
- حربرچی، فیروز و محسنی، علی‌اکبر (۱۳۸۰) صور خیال در شعر منتنبی در مدرس علوم انسانی پاییز ۱۳۸۰ شماره ۲۰.
- خلیج، رضا و پارسا، سید احمد (۱۳۹۵) "بررسی تحلیلی تشبیهات سیاه در سروده‌های مهدی اخوان ثالث" در فصلنامه شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال هشتم شماره ۱ (پیاپی ۸۱، بهار ۱۳۹۵)، صص ۸۷-۱۱۰
- محبتی، مهدی و سمیعی‌زاده، صدیقه. (۱۳۹۰) پایان نامه تحصیلی با عنوان: طبقه بندی و تحلیل کارکردهای مجازی، حقیقی عناصر خاک و باد در شاهنامه فردوسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نجفی بهزادی، سجاد و مرتضوی، سید جمال‌الدین (۱۳۹۰) "بررسی و مقایسه صور خیال در شعر حسین منزوی و قیصر امین‌پور"، فصل‌نامه «زبان و ادبیات فارسی» بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۷۰ از ۱۶۷ تا ۱۹۶